خبر روز

فیلم‌های «عمار» به دیدن شما می‌آیند

همزمان با برگزاری دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار از ۱۸ دی ماه، فیلم‌های این جشنواره در دو بستر برخط و حضوری در سراسر کشور اکران می‌شوند. واحد اکران مردمی جشنواره عمار همانند سال‌های گذشته علاوه بر اکران‌های حضوری، امکان اکران برخط را نیز فراهم کرده و اکران‌کننده می‌تواند با مراجعه به ekranmardomi.ir و انتخاب فیلم مورد نظر خود و مشخص کردن سانس اکران، نسبت به پخش فیلم به صورت مجازی اقدام کند. در اکران‌های حضوری نیز علاقه‌مندان در صورت دارا بودن حداقل امکانات پخش فیلم برای گروه هدف، می‌توانند آثار این دوره از جشنواره را دریافت و در مسجد، هیئت، دانشگاه، مدرسه علمیه، پایگاه بسیج و... اکران کنند.

چند اثر به جشنواره تجسمی فجر ارسال شد؟

سیدعباس میرهاشمی، دبیرکل چهاردهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر اعلام کرد: ۴ هزار و ۳۴۵ هنرمند، ۱۰ هزار و ۸۶۲ اثر در رشته‌های ده‌گانه به جشنواره ارسال کرده‌اند که شاهد رشد ۴۰ درصدی در تعداد آثار نسبت به دوره گذشته هستیم. در رشته هنرهای جدید هم ۲۰۱ هنرمند در شاخه‌های پرفورمنس، چیدمان و ویدئوآرت ۳۴۶ اثر فرستادند. ۱۸۵ کاریکاتوریست با ۴۶۹ اثر بیشترین رشد را نسبت به دوره گذشته داشته‌اند. در بخش آثار حجمی هم در رشته مجسمه ۱۷۹ هنرمند ۳۲۷ اثر و در بخش سرامیک ۶۷ هنرمند ۱۲۵ اثر را به جشنواره فرستادند. بیشترین رشد اثر و تعداد هنرمند برای رشته‌های کاریکاتور، نقاشی و تصویرسازی بوده است.

گزارش

صبا کریمی | اقتصاد هنر از مؤلفه‌های بنیادین حیات فرهنگ و هنر محسوب می‌شود و تا چرخه اقتصادی هنر به گردش درنیاید، رونق، شکوفایی و توسعه آن در جامعه نیز به درستی محقق نخواهد شد. یکی از مواردی که وزیر فرهنگ و ارشاد دولت از ابتدای روی کار آمدنش بر آن انگشت نهاده و بر تقویت و حمایت از آن تأکید ویژه‌ای دارد، بحث اقتصاد هنر است. اسماعیلی بارها در جمع هنرمندان بر ظرفیت‌های قابل توجه حوزه اقتصاد هنر تأکید کرده و دستیابی به بازارهای جهانی را یکی از مهم‌ترین اهداف دوره مدیریتی خود خوانده است. وزیر فرهنگ همچنین سازمان فرهنگ و ارتباطات و رایزن‌های فرهنگی را به عنوان پل ارتباطی میان هنرمندان و روابط بین‌الملل دانسته و بر ضرورت ایجاد فضایی برای اشتغال و کار اقتصادی در حوزه هنر تأکید ویژه‌ای داشته است. اما پرسش اینجاست این ظرفیت‌ها کجا هستند، چه کسانی از آن منتفع می‌شوند و نکته مهم‌تر اینکه آیا زیرساخت‌های لازم برای تقویت اقتصاد هنر وجود دارد؟

نگاهی به الزامات توسعه اقتصادی هنر در گفت‌وگو با منیژه آرمین و علیرضا ذاکری

سهم کم آثار هنری در سبد خانوار ایرانی

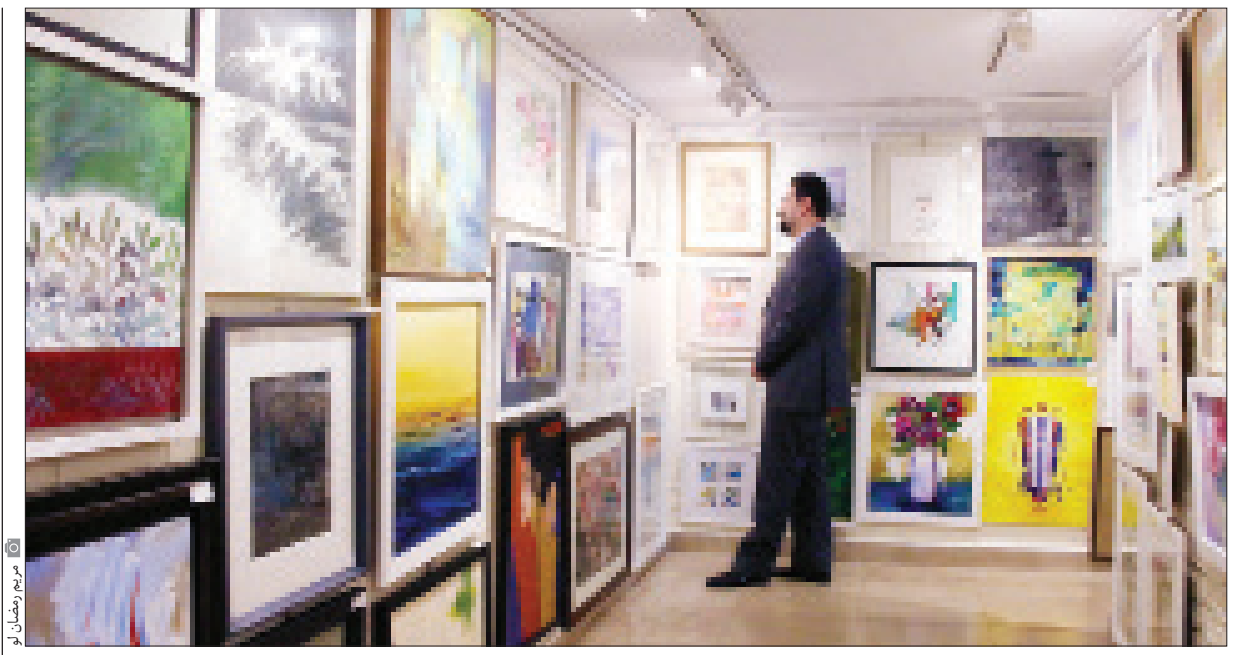

مریم رمضان لو

■ **اقتصاد هنر ما وابسته به لندن و دبی است**

«منیژه آرمین» مجسمه‌ساز و سفالگر با بیان اینکه مشکل اصلی اقتصاد هنر این است که اساساً زیرساخت‌های آن وجود ندارد، می‌گوید: اقتصاد هنر ما وابسته به کشورهای خارجی، لندن و دبی است و تمام معاملاتی هم که انجام می‌شود در ارتباط با طرف خارجی است. بنابراین می‌توانم به جرئت بگویم ما اقتصاد هنر نداریم چون اساساً زیرساختش را نداریم. تصور کنید کودکی که از همان زمان مدرسه رفتن حتی یک مجسمه هم نمی‌بیند طبیعتاً شناخت هنری هم پیدا نمی‌کند و در آینده هم نگاهش همین است. به قول یکی از کلکسیونرها برخی برای منزلشان یک قالی ۳۰۰ میلیونی و پرده ۱۰۰ میلیونی می‌خرند اما وقتی به اثر هنری می‌رسد یک تابلو ۱۰۰ هزار تومانی به دیوار می‌آویزند. این نشان می‌دهد ارزش آثار هنری و توجه به آن اصلاً نهادینه نشده و در سبد خانوار نیامده است و این نگاه وجود ندارد که می‌توان اثر هنری را خرید و روی آن سرمایه‌گذاری کرد. در حالی که خارجی‌ها این موضوع را خیلی خوب فهمیده‌اند و اثر هنری را می‌خرند و حفظ می‌کنند.

وی با اشاره به یکی از نقطه ضعف‌های فرهنگی می‌افزاید: هنر همان چیزی است که جایش در شهر بسیار خالی است، در صورتی که در شهرهایی مانند رم، پاریس و لندن از همان ابتدا کودکان را با آثار هنری آشنا می‌کنند و آن‌ها را به نمایشگاه و موزه‌ها می‌برند، اما کشور ما کویر آثار هنری است و پرسش اینجاست که بچه‌ها از کجا می‌خواهند یاد بگیرند و هنر را بشناسند؟

■ **ما حتی یک موزه سفال معاصر هم نداریم**

آرمین معتقد است: مسئله اصلی شناخت هنر و شناساندن آن به جامعه است. او تأکید می‌کند: متأسفانه در کشور ما باندبازی زیاد شده و معاملاتی که می‌شود در حیطه مافیاست و هنر واقعی مهجور مانده است. البته این مسئله شامل همه معاملات نیست اما بخشی از آن در این قضیه دخیل است در نتیجه مهم‌ترین کاری که باید کرد این است که هنر را به عموم مردم معرفی کنیم.

به گفته آرمین؛ ضرورت دارد در اقتصاد هنر خودکفا باشیم و این معاملات در کشور خودمان انجام شود. امروز آرزوی همه این است آثارشان به موزه‌های لندن و... برود، در صورتی که چرا نباید آن‌ها را در کشور خودمان مطرح کنیم؟ به طور مثال ما حتی یک موزه سفال معاصر هم نداریم در حالی که سفال هنری با قدمت بسیار زیاد است و ریشه در فرهنگ ایرانی دارد و من بیش از ۱۰ بار طرحش را به نهادهای مختلف ارائه کردم. متأسفانه آثار سفالی هم که در متروو وجود دارد آثار سطح پایینی است و در نتیجه مردمی که اطلاع ندارند هم می‌گویند این‌ها چقدر خوب است اما ما می‌دانیم آثار ضعیفی است و دلیلش هم این است که متولیان نخواستند پول خرج کنند و در نتیجه با هنرمندان هم توافق نکردند و سراغ کسانی رفتند که در این هنر تبحر ندارند و آثارشان را با قیمت خیلی پایین خریداری کردند و در مترو گذاشتند. دقیقاً مانند همان کسی که خانه‌اش را به آن شکل تزئین می‌کند این هم در سطح دولتی‌اش است! البته این گونه نیست که تصور کنیم آن‌ها متوجه نیستند بلکه نمی‌خواهند پول خرج کنند!

■ **حراج تهران در یک کلام مافیاست**

این کارشناس هنری در پاسخ به این پرسش که آیا حراج تهران می‌تواند به اقتصاد هنر کمک کند یا بیشتر یک رویداد محفلی و در دست عده‌ای خاص است، می‌گوید: به نظرم گزینه دوم است و متأسفم که این را می‌گویم. حراج تهران آنچنان در محفل برپا می‌شود که بیشتر هنرمندان اصلاً خبردار نمی‌شوند. البته این بدان معنی نیست که آثار خوب در آن نیست اما چرا این حراج یک فراخوان برگزاری نمی‌دهد و خبری از داوران بی‌نظر در آن نیست و به نظرم در یک کلام مافیاست.

البته موضوع مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم یافتن مخاطب هنری و کارشناس است، اینکه هر اثر هنری چه مخاطبی دارد و حضور کارشناسی که در حوزه هنرهای تجسمی کار کند و فضا را بشناسد اما در این میان غالباً با افرادی مواجه‌ایم که اطلاعات کلی دارند. وی به متولیان فرهنگی برای تقویت اقتصاد هنر توصیه می‌کند باید از افراد بی‌نظر استفاده کنند، از هنرمندانی که تجربه کار هنری و پژوهشی دارند و این دایره تنگ را وسعت بدهند شاید در این حالت به نتایج بهتری برسند.

■ **تأثیر روابط بر فروش آثار هنری**

اما علیرضا ذاکری، طراح و نقاش با بیان اینکه «اقتصاد» لازمه هر فعالیتی اعم از فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و همه این‌ها به پشتوانه اقتصادی نیاز دارند، می‌گوید: در دنیای هنر، برخی از رشته‌های تجسمی می‌توانند گلیم خودشان را از آب بیرون بکشند و به واسطه روابطشان اثر بفروشند. البته هنرمندان سلبریتی که تراز اول هستند و از سال‌های دور مشغول کارند و طبیعتاً آثارشان قیمت‌های بالایی دارد نباید در بحث اقتصاد هنر ملاک قرار گیرند، این آرتیست‌ها در هر رویداد هنری که کارشان را ارائه دهند به فروش می‌رسد و حتی در حراج‌های داخل هم آن‌ها هستند که در صدر فروش قرار دارند. وی با تأکید بر بحران اقتصادی در دنیا تأکید می‌کند: البته آرتیستی را نمی‌شناسم که در این اوضاع اقتصادی ناشی از کرونا خیلی موفق عمل کند و در نتیجه آثار هنری انگشت‌شمار به فروش می‌روند. ضمن اینکه مجموعه‌داران هم ترجیح می‌دهند به صورت محدود چند اثر بخرند و این اتفاق برای همه هنرمندان رقم نمی‌خورد. اگر هنرمندان دیگر سراغ همین گالری‌داران بروند با روی خوش مواجه نمی‌شوند و با دادن نوبت‌های چند ساله، در واقع آن‌ها را سنگ قلاب می‌کنند.

ذاکری ادامه می‌دهد: گالری گلستان در آبان‌ماه امسال نمایشگاهی از عکس فیلم‌های مسعود کیمیایی برپا کرد و دیدیم به فاصله ۲۰ روز بعد برای همین سینماگر نمایشگاه نقاشی برپا می‌شود و آثارش بین ۹۰ تا ۳۲۰ میلیون تومان هم قیمت‌گذاری می‌شود! اما چگونه است که آرتیست‌های دیگر سال‌ها در نوبت انتظار برای برپایی نمایشگاه می‌مانند؟

آقای کیمیایی هنرمند بزرگی است و همان طور که نمایشگاه عکس فیلم‌هایش را برپا کرد، می‌توانست نمایشگاهی از دستنوشته‌ها و فیلم‌نامه‌های قدیمی خود را به نمایش بگذارد که قطعاً جذاب‌تر بود. البته ما هنرمندان بزرگی مانند مرحوم عباس کیارستمی هم داریم که از وادی نقاشی به سینما آمد و در عین حال عکاس هم بوده و عکس‌هایش هم به واسطه امضایش خوب می‌فروشد.

■ **اجازه دهید جشنواره تجسمی فجر برای آرتیست‌ها بماند**

ذاکری در واکنش به مأموریت ویژه نهادهای مسئول در توسعه اقتصاد هنر می‌گوید: اگر سازمان فرهنگ و ارتباطات و رایزن‌های فرهنگی بتوانند وظیفه خود را به درستی انجام دهند اتفاق بسیار بزرگی است و هنرمندان می‌توانند فرصت ارتباط با دنیا و برپایی نمایشگاه را بدست بیاورند. البته امیدوارم این سازمان فقط با فهرست معدودی از هنرمندان کار نکند و مختص افراد خاصی نباشد و این فرصت بسیار بزرگ را به همه هنرمندان توانمند بدهد.

وی معتقد است: جشنواره تجسمی فجر هم می‌تواند نقش مهمی در فروش آثار هنری داشته باشد. او می‌گوید: این جشنواره در سال ۹۴ بخش فروش آثار داشت که دستاورد بسیار خوبی بود اما عجیب است هر گاه دبیر جدیدی منصوب می‌شود اقدام‌های مثبت دبیر قبلی حذف می‌شود و بخش فروش را به گالری‌ها واگذار می‌کنند. گالری‌هایی که خودشان امکان نمایش و فروش آثار دارند و بهتر است متولیان برپایی جشنواره اجازه دهند جشنواره تجسمی فجر برای آرتیست‌ها بماند! هنرمندانی هستند که همیشه مورد حمایت‌اند و روی آن‌ها سرمایه‌گذاری خارج از قاعده و عرف می‌شود در حالی که باید این امکانات بین چند هنرمند تقسیم شود اما یک سلبریتی را به قدری بزرگ کرده‌اند که نمی‌شود نقدش کرد و خیلی‌ها هم با حمایت خاص از این نورچشمی‌ها پیشرفت می‌کنند.

چرا علی نصیریان غایب جشنواره امسال است؟

علی نصیریان گفت: امسال هیچ فیلمی را در جشنواره فیلم فجر ندارم، فکر می‌کردم که شاید «روشنایی» به فجر برسد، اما این طور نشد، به طور کلی هم جشنواره و جایزه برای من چندان جذاب نیست، من همین که یک نقش درست و تأثیرگذار را بازی کنم و مخاطب از من راضی باشد کافی است. فیلم سینمایی «روشنایی» به کارگردانی میکائیل کوشان، فیلمی اجتماعی است که به مشکلات و معضلات روزمره می‌پردازد.

فرهنگ و هنر

آگهی‌های حصر وراثت و فقدان سند